



×

SSS

×

## چکیده

شرح حال نویسی عرفانی و ثبت و ضبط احوال، افعال و اقوال اولیا و عرفا - به خاطر نقش ویژه‌ای که در گذشته فرهنگی و اجتماعی ما داشته، نیز تأثیر عمده‌ای که بر ذهن و زبان بهترین شاعران و نویسندگان فارسی زبان، بعد از قرن پنجم، گذاشته است - یکی از ژانرهای مهم تاریخ ادبیات عرفانی است که با همه ارزش و اهمیت، هنوز چنان که باید شکافته و شناخته نشده است. پژوهش حاضر تلاش متواضعانه‌ای است برای بررسی زبان و گفتمان دو متن از این نوع و مقایسه تفاوت‌ها و تغییراتی که در جریان تحولات نهاد تصوف، در زبان این گونه متون بروز و ظهور یافته است. سیرت ابن خفیف (متوفی 371) که بر دست ابوالحسن دلمی و در نیمه دوم قرن چهارم تألیف شده است از قدیم‌ترین مقامات‌های مشایخ صوفیه است. مقامات ژنده پیل نیز که کهن‌ترین و گسترده‌ترین شرح حال احمد جام (متوفی 536) است در واقع آخرین نمونه از نوع ادبی مقامات (تذکره‌های اختصاصی) محسوب می‌شود که تا پایان قرن ششم و حمله مغول در دست داریم.

روش تحقیق اصلی در این پژوهش روش کیفی است؛ اما در فرآیند تحقیق هر جا که لازم بود داده‌های کمی را به خدمت گرفتیم. در پژوهش حاضر، داده‌ها و اطلاعات (حکایت‌های مندرج در مقامات‌ها) بر اساس مبانی روش‌شناسی فرکلاف در سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» تحلیل خواهد شد. در سطح توصیف حکایت‌ها در لایه «دستور» و «ساخت‌های متنی» بررسی می‌شوند. برای تحلیل متن در لایه دستور «دستور نظام‌مند نقش‌گرا» را بهترین و مناسب‌ترین چارچوب یافتیم. دومین سطح از تجزیه و تحلیل حکایت‌ها آنگونه که فرکلاف می‌گوید تفسیر نامیده می‌شود. در این سطح تلاش خواهیم کرد تا نشان دهیم چه گفتمان‌های مختلفی در متن هر کدام از مقامات‌ها مفصل‌بندی شده است و عناصر و مؤلفه‌های سازنده هر یک از آن‌ها کدام است. سطح سوم از تحلیل «تبیین» نام دارد. از نظر فرکلاف، تحلیل این جنبه از گفتمان در قالب تحلیل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی یک رویداد ارتباطی صورت می‌گیرد. لذا این سطح را به بستر شناسی نهاد تصوف در سده‌های سوم و چهارم (دوره حکومت طاهریان و سامانیان) از یک سو و سده‌های پنجم و ششم (دوره حکومت سلجوقیان) از سوی دیگر و در بافت تاریخی-اجتماعی خاص خود، اختصاص دادیم.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل انتقادی گفتمان، مقامات‌های مشایخ صوفیه، زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا.

<b>1</b>	<b>فصل اول: کلیات</b>
1-1	مسئله پژوهش
2-1	اهمیت و ضرورت پژوهش
3-1	اهداف پژوهش
4-1	سوالات پژوهش
5-1	فرضیه‌های پژوهش
6-1	تعریف واژه‌های مهم و کلیدی
1-6-1	مقامات نویسی؛ انواع و سیر تطور آن
2-6-1	تفاوت طبقات‌نگاری با مقامات نویسی
1-2-6-1	هدف
2-2-6-1	ساختار
3-2-6-1	محتوا
<b>28</b>	<b>فصل دوم: پیشینه پژوهش</b>
1-2	مقدمه
2-2	پیشینه پژوهش
1-2-2	پژوهش‌های مرتبط با مقامات‌های مشایخ صوفیه
2-2-2	پژوهش‌های مرتبط با تحلیل انتقادی گفتمان
3-2	مروری بر ادبیات موضوع
4-2	گفتمان چیست؟
5-2	تحلیل گفتمان چیست؟
1-5-2	تحلیل ساخت‌گرای گفتمان
2-5-2	تحلیل نقش‌گرای گفتمان
3-5-2	تحلیل انتقادی گفتمان
1-3-5-2	صفت «انتقادی»
2-3-5-2	قدرت
3-3-5-2	ایدئولوژی
6-2	مقایسه سه رویکرد
7-2	رویکرد نورمن فرکلاف
1-7-2	توصیف

50.....	تفسیر.....	2-7-2
53.....	تبیین.....	3-7-2
53.....	دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی.....	8-2
57.....	بند به عنوان بازنمایی واقعیت؛ فرانش اندیشگانی.....	1-8-2
58.....	فرآیند.....	1-1-8-2
59.....	فرآیند مادی؛ فرآیندهای «کنش» و «رخداد».....	2-1-8-2
59.....	فرآیند رابطه‌ای؛ فرآیندهای «بودن» و «داشتن».....	3-1-8-2
60.....	فرآیند ذهنی.....	4-1-8-2
61.....	فرآیند رفتاری.....	5-1-8-2
62.....	فرآیند کلامی.....	6-1-8-2
62.....	فرآیند وجودی.....	7-1-8-2
63.....	عناصر پیرامونی فرآیند.....	8-1-8-2
63.....	بند به عنوان کنش متقابل؛ فرانش بینافردی.....	2-8-2
66.....	بند به عنوان پیام: فرانش متنی.....	3-8-2
66.....	ساخت مبتدا- خبری.....	1-3-8-2
66.....	ساخت اطلاعاتی.....	2-3-8-2
67.....	انسجام.....	3-3-8-2
<b>69.....</b>	<b>فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش.....</b>	<b>3</b>
70.....	1-3. روش پژوهش.....	
70.....	2-3. فرآیند انتخاب متن.....	
71.....	3-3. روش جمع‌آوری اطلاعات (نمونه‌گیری).....	
72.....	4-3. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	
<b>76.....</b>	<b>فصل چهارم: یافته‌های پژوهش.....</b>	<b>4</b>
77.....	1-4. مقدمه.....	
77.....	2-4. توصیف متن.....	
78.....	1-2-4. بررسی حکایت‌ها بر اساس فرانش اندیشگانی زبان.....	
87.....	2-2-4. بررسی حکایت‌ها بر اساس فرانش بینافردی زبان.....	
92.....	3-2-4. تحلیل در لایه ساخت‌های متنی.....	
95.....	1-3-2-4. ساخت متنی در مقامات ژنده پیل.....	
104.....	2-3-2-4. ساخت متنی در سیرت ابن‌خفیف.....	

107	.....3-4.تفسیر
109	.....1-3-4. بیناگفتمانیت در سیرت ابن خفیف
109	.....1-1-3-4. گفتمان زهد
115	.....2-1-3-4. گفتمان فتوت
121	.....3-1-3-4. گفتمان «صحاب حدیث»
126	.....2-3-4. بیناگفتمانیت در مقامات ژنده پیل
127	.....1-2-3-4. گفتمان زعامت و ریاست
131	.....2-2-3-4. گفتمان ولایت و کرامت
136	.....3-2-3-4. گفتمان تعامل و تبادل سیاسی
140	.....4-4.تیین
141	.....1-4-4. اوضاع سیاسی و اجتماعی در عصر طاهریان و سامانیان
143	.....2-4-4. تصوف در عصر طاهریان و سامانیان
145	.....3-4-4. اوضاع سیاسی و اجتماعی در عصر سلجوقیان
148	.....4-4-4. تصوف در عصر سلجوقیان
154	.....5.فصل پنجم: بحث، تفسیر و استنتاج
155	.....1-5.مقدمه
155	.....2-5.خلاصه پژوهش
156	.....3-5.خلاصه یافته‌ها و ارزیابی فرضیه‌ها
164	.....4-5.محدودیت‌های پژوهش
165	.....5-5.پیشنهاد‌های پژوهش

#### فهرست جداول

57	.....جدول 1-2: فرانش‌ها و بازتاب آن‌ها در دستور زبان
58	.....جدول 2-2: مؤلفه‌ها و مقوله‌های دستوری
60	.....جدول 3-2: انواع فرآیندهای رابطه‌ای
63	.....جدول 4-2: انواع عناصر پیرامونی
64	.....جدول 5-2: نقش گفتارهای بنیادی
81	.....جدول 1-4: شرکت‌کننده بهره‌ور

83	جدول 4-2: فراوانی فرآیندها در حکایت‌ها
86	جدول 4-3: شرکت‌کننده بهره‌ور در دو کتاب
90	جدول 4-4: ساختمان وجه در دو کتاب
97	جدول 4-4: ساخت متنی در مقامات ژنده پیل
105	جدول 4-5: ساخت متنی در سیرت ابن خفیف
108	جدول 4-6: بیناگفتمانیت در مقامات‌ها

#### فهرست نمودارها

83	نمودار 4-1: توزیع فرآیندها در سیرت ابن خفیف
84	نمودار 4-2: توزیع فرآیندها در مقامات ژنده پیل
86	نمودار 4-3: مقایسه توزیع فرآیندها در دو کتاب
90	نمودار 4-4: توزیع وجه در سیرت ابن خفیف
91	نمودار 4-5: توزیع وجه در مقامات ژنده پیل
92	نمودار 4-6: مقایسه ساختمان وجه در دو کتاب

#### فهرست اشکال

47	شکل 2-1: گفتمان به عنوان متن، عمل گفتمانی و عمل اجتماعی. (فرکلاف، 2001: 21)
78	شکل 4-1: ساختمان وجه

# 1. فصل اول: کلیات



## 1-1. مسئله پژوهش

ظاهراً واژه صوفی در قرن دوم، در برخی از سرزمین‌های اسلامی، به خصوص در بین النهرین، متداول شد. کسانی که در قرن دوم صوفی خوانده می‌شدند، تشکیلات اجتماعی و مکتب و نظام فکری و عرفانی خاصی نداشتند؛ به عبارت دیگر، تشکیلات خانقاهی، رابطه مرید و مرادی، آداب و رسوم خاص صوفیانه و همچنین آن نظام فکری و اعتقادی که جنبه نظری تصوف را تشکیل می‌دهد، در قرن دوم و حتی ربع اول قرن سوم پدید نیامده بود (عروج نیا و دیگران، 1388: 13). صوفیان نخستین کسانی بودند که توجه به زندگی دنیوی و تجمل‌پرستی را مغایر با حقیقت دین‌داری و خداپرستی می‌دانستند و آنچه برای ایشان اهمیت داشت، رستگاری در آخرت و بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی و به خصوص لقای خداوند در بهشت بود. اما از اواسط قرن سوم به بعد، صوفیان به تدریج تشکیلات اجتماعی پیدا کردند و رابطه مرید و مرادی در میان آن‌ها پدید آمد. آشتی میان طریقت و شریعت، اسباب ترویج تصوف و گسترش بنیادهای آن، از جمله طریقت‌های صوفیه را فراهم آورد و با تکوین تدریجی نظام خانقاهی، تصوف به سرعت به بخشی از ساختار معنوی جامعه آن روز تبدیل شد. صوفیان در خلال سده‌های چهارم تا ششم رفته رفته اهمیت اجتماعی قابل ملاحظه‌ای پیدا کردند که به طرز مؤثری به قدرت سیاسی تبدیل شد. یکی از عواملی که موجبات این رشد اجتماعی و سیاسی را برای تصوف فراهم کرد، تدوین اصول و ضوابط عرفانی بود.

از همان اواخر قرن چهارم و ابتدای قرن پنجم شماری از صوفیان برای تبیین و تثبیت ضوابط و آداب و رسوم صوفیه به نگارش آثار متعددی دست زدند و زبان را در خدمت تنظیم و سازماندهی نظام عقاید خود به کار گرفتند. این آثار متن‌های مدرسی و نظام‌ساز نهاد تصوف محسوب می‌شوند که در آن‌ها زبان آشکارا ایدئولوژی جماعت صوفیه را بازتولید می‌کند. نقل کرامات از زندگی صوفیان و حکایت‌های تعلیمی، بخش بزرگی از بدنه این گونه متن‌ها را شکل می‌دهد و نوع ادبی «مقامات»‌های مشایخ صوفیه در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد.

با حکایت‌های مندرج در مقامات‌ها دوگونه برخورد شده، و هر دو برخورد مبتنی بر پیش‌فرض واحدی است. رویکرد اول ویژه کسانی است که مفتون و معتقد به این حکایات‌اند؛ گویی آنچه مقامات‌نویسان در لفافه آرایه‌های ادبی در باب کرامات آنان گفته‌اند، همه، شرح احوال روزمره آنان بوده است. رویکرد دوم برخوردی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) به حکایات فوق دارد و بر همین اساس تمام آن‌ها را رد می‌کند و بی ارزش می‌شمارد. این رویکرد، حکایات فوق را داستان‌هایی خرافی برای سیر کردن ذهن عوام قلمداد می‌کند. این دو رویکرد، در عین حال که ناهمسان‌اند، یک پیش‌فرض مهم و مشترک دارند: هر دوی آن‌ها این حکایات را به عنوان گزارش زندگی مشایخ صوفیه قرائت

می‌کنند که باید یا به عنوان امر واقع پذیرفت یا به عنوان خرافه رد کرد. آنچه این هر دو رویکرد نادیده می‌گیرند تحولات پژوهشی جدید در حوزه شرح‌حال‌های اولیا و مشایخ صوفیه است که سؤالات متفاوتی را درباره این حکایات مطرح می‌سازد. آثار متأخر در این حوزه دیگر در پی اثبات «درستی» یا «واقعی بودن» این حکایات به معنای پوزیتیویستی آن نیستند و بیشتر به بررسی تأثیرات آن‌ها بر کسانی می‌پردازند که به واقعی بودنشان ایمان دارند. بنا به این رویکرد جدید، این حکایات داستان‌های خرافی نیستند بلکه داستان‌هایی هستند که در میان گروهی از مردم که اصلی‌ترین معنای زندگی خود را در آن‌ها می‌یابند، مقدس و مشترک‌اند.

مسئله اصلی در این پژوهش اثبات درستی یا نادرستی حکایات مندرج در مقامات‌های مشایخ صوفیه یا بازسازی رویدادها یا مروری بر زندگی و آثار ابن خفیف و احمد جام نیست؛ بلکه کانون توجه ما گفتمان مسلط در دو متن از مقامات‌های مشایخ صوفیه و تفاوت‌ها و تحولات آن دو است. مقایسه این دو متن که یکی، از قدیم‌ترین سیرت‌نامه‌های مشایخ صوفیه و دیگری، آخرین نمونه از این نوع تا پایان قرن ششم - یعنی قلمرو زمانی پژوهش حاضر - است می‌تواند در تبیین این تحولات راه‌گشا و یاری‌رسان باشد.

این پژوهش سعی دارد نحوه تبدیل گفتمان مقامات‌های مشایخ صوفیه را از یک گفتمان زاهدانه و متشرعانه به یک گفتمان سلطه‌جو اقتدارگرا در طی تاریخ و تأثیری را که این تحول بر زبان حکایت‌ها داشته بررسی کند. برای این منظور در تحلیل روند ایدئولوژیک شدن متن‌های «مقامات»‌های صوفیه از دیدگاه‌های تحلیل انتقادی گفتمان بهره می‌گیرد. تحلیل انتقادی گفتمان گرایش جدیدی در زبان‌شناسی است که نسبت میان ساختارهای زبانی را با ساختارهای قدرت و ایدئولوژی در جامعه مطالعه می‌کند. تلاش محققان این رشته بر آن است تا با کمک ابزارهای زبانی به شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی از ساختارهای قدرت در جامعه بپردازند. این پژوهش قصد دارد تا با استفاده از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، نقش ساختارهای زبانی را در مناسبات زبان و قدرت در دو متن مختلف از مقامات‌های صوفیه؛ یعنی سیرت ابن خفیف و مقامات ژنده پیل تحلیل کند و تفاوت‌های گفتمانی این متون را بررسی نماید. در این پژوهش روش کلی مقایسه را برگزیدیم چراکه «راحت‌ترین شیوه برای درک ماهیت یک متن مقایسه آن با متون دیگر است. راه کار مقایسه مبتنی بر این نکته ساخت‌گراست که یک گفته یا نوشته همواره معنایش را به واسطه متفاوت بودن با چیز دیگری که گفته شده یا ممکن بود گفته شود به دست می‌آورد» (یورگنسن و فیلیپس، 2002:149).

## 2-1. اهمیت و ضرورت پژوهش

انجام این تحقیق به دو دلیل ضروری است؛ دلیل اول لزوم بررسی نوع ادبی «مقامات»های مشایخ صوفیه در زبان فارسی است که تا کنون این نوع ادبی از دیدگاه خاصی مورد تحقیقی دقیق و تاریخی قرار نگرفته است. مقامات‌نویسی عرفانی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های عرفان و تاریخ ادبیات عرفانی است که تا به امروز کم‌تر به آن به عنوان یک ژانر (نوع) ادبی خاص توجه شده است. طبقه‌بندی انواع، تبیین جایگاه، روش‌ها، انگیزه‌ها و اهدافی که در پس این نوع مهم ادب عرفانی هست، می‌تواند کمک فراوانی به شناخت فرهنگ و ادب دیروز و امروز ما نماید. مقامات‌نویسی عرفانی و ثبت و ضبط احوال، افعال و اقوال اولیا و عرفا به خاطر نقش ویژه‌ای که در گذشته فرهنگی و اجتماعی ما داشته، نیز تأثیر عمده‌ای که بر ذهن و زبان بهترین شاعران و نویسندگان فارسی زبان، بعد از قرن پنجم، گذاشته است - یکی از ژانرهای مهم تاریخ ادبیات عرفانی است که با همه ارزش و اهمیت، هنوز چنان که باید شکافته و شناخته نشده است (محبتی، 1391:90).

دلیل دوم، اهمیت توجه به رویکردهای بینارشته‌ای در مطالعات ادبی و به ویژه مطالعه متون کهن است که می‌تواند به پژوهش‌گر کمک کند تا به نتایج جدیدی در حوزه ادبیات دست یابد.

## 3-1. اهداف پژوهش

هدف نخست این پژوهش آن است که ضمن بررسی گفتمان مسلط در مقامات‌های مشایخ صوفیه و سیر تحول آن از یک گفتمان اخلاقی و دینی به یک گفتمان سلطه‌جو و اقتدارگرا، نمود این تغییرات را در زبان این متون نشان دهد.

هدف دیگر این پژوهش، کاربرد نظریه تحلیل انتقادی گفتمان به عنوان یکی از رویکردهای مؤثر در تحلیل متون ادبی است که به موقعیت تولید متن توجه می‌کند. ویژگی‌های سبکی بسیاری از متون زبان فارسی را می‌توان با ابزارهای معرفی شده در تحلیل انتقادی گفتمان تجزیه و تحلیل کرد و به نتایج درخور توجهی (نتایجی درباب معانی ضمنی و تلویحی متن، کشف ایدئولوژی پنهان و رابطه قدرت پدیدآمده در زبان، مشروعیت بخشیدن به سلطه و یا ستیز علیه آن) دست یافت.

## 4-1. سؤالات پژوهش

1. گفتمان مسلط در حکایت‌های عرفانی مندرج در «مقامات»های مشایخ صوفیه در ادوار مختلف تصوف چه گفتمانی است و چه تغییر و تحولاتی داشته است؟

2. گفتمان مسلط در حکایت‌های عرفانی چگونه در متن «مقامات»‌های مشایخ صوفیه بازتولید شده و جلوه‌های زبانی یافته است؟

3. نقش و جایگاه پیر به عنوان شخصیت محوری در «مقامات»‌های مشایخ صوفیه چگونه در حکایت‌ها بازنمایی شده و چه تحولاتی داشته است؟

### 1-5. فرضیه‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش‌های فوق، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

1. در آغاز قرن پنجم و با شروع روند شکل‌گیری ساختارهای قدرت در تصوف، گفتمان مسلط در حکایت‌های عرفانی و در آثار متقدمی چون سیرت ابن خفیف، گفتمان زاهدانه و متشرعانه است؛ اما به تدریج صوفیه این حکایت‌ها را چونان سلاحی علیه منکران و مخالفان طریقت خویش به کار می‌گیرند و گفتمان مسلط در آن‌ها به گفتمان سلطه‌جو و اقتدارگرا تبدیل می‌شود و این تحول در آثار متأخری همچون مقامات ژنده پیل قابل مشاهده است.

2. بین حکایت‌های «مقامات»‌ها طی قرون مختلف از لحاظ زبان، محتوا، ساخت و نحوه گزارش زندگی مشایخ صوفیه تفاوت‌های معناداری وجود دارد. بعد از قرن پنجم و در گذر زمان، متن‌ها به تدریج از واقعیت به جانب اغراق و مبالغه، حکایت‌سازی، رقیب تراشی و جعل کرامات و افسانه‌پردازی پیش می‌روند.

3. شخصیت پیر در سیرت ابن خفیف که به ادوار نخستین تصوف تعلق دارد بیشتر در جایگاه معلم و پدري دلسوز بازنمایی می‌شود حال آنکه رفته رفته و طی تحولات نهاد تصوف در سده‌های چهارم تا ششم اهمیت اجتماعی قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند و در تصویرسازی‌های مقامات‌نویس متأخری، همچون غزنوی، در جایگاه رئیس و زعیم دینی حاضر می‌شود.

### 1-6. تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

ذیل این عنوان از تحقیق بر ما لازم است مفاهیم، اصطلاحات و واژگانی را که در «عنوان» تحقیق به کار برده‌ایم تعریف و منظور خود را از هر یک، به طور دقیق، مشخص کنیم. با توجه به اینکه «تحلیل انتقادی گفتمان» به عنوان نظریه و روش در پژوهش حاضر به کار گرفته شده است، برای پرهیز از تکرارهای غیرضروری و ملال‌آور، شرح این مطلب در فصل دوم (مروری بر ادبیات موضوع) به

تفصیل خواهد آمد. بنابراین آن اصطلاحی که باقی می ماند و ما می بایست تعریف دقیق و معنای مورد نظر خویش را از آن مشخص کنیم «مقامات‌های مشایخ صوفیه» است.

### 1-6-1. مقامات نویسی؛ انواع و سیر تطور آن

مقامات نویسی عرفانی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های عرفان و تاریخ ادبیات عرفانی است که تا به امروز کم‌تر به آن به عنوان یک ژانر (نوع) ادبی خاص توجه شده است. طبقه‌بندی انواع، تبیین جایگاه، روش‌ها، انگیزه‌ها و اهدافی که در پس این نوع مهم ادب عرفانی هست، می‌تواند کمک فراوانی به شناخت فرهنگ و ادب دیروز و امروز ما نماید (محبتی، 1391: 89). با تأمل در مجموعه آثاری که در این زمینه وجود دارد می‌توان دریافت که یادکرد مقامات متصوفه و عرفا و ذکر سوانح زندگی و افعال و اقوال آنان در تاریخ ادبیات عرفانی غالباً به دو صورت عمده است:

الف) ذکر نام و احوال و احیاناً سوانح زندگی سلسله‌ای از ناموران قلمرو فرهنگ و ادب عرفانی در کنار هم که از مشهورترین این نوع مقامات نویسی می‌توان به *حلیه الاولیای ابونعیم اصفهانی*، *طبقات الصوفیه ابو عبدالرحمن سلمی* و *تذکره الاولیای شیخ فرید الدین عطار* اشاره کرد.

ب) یادکرد نام و نسب، خاندان، احوال و سوانح زندگی یکی از بزرگان طریقت به تفصیل تمام و تبیین جایگاه و پایگاه اجتماعی و عرفانی او در عصر خود و تأثیری که احیاناً در پیدایش فرقه‌ها و نحله‌های صوفیان بعد از خود داشته است. از جمله این نوع مقامات نویسی می‌توان *سیرت ابن خفیف* و *مقامات ژنده پیل*؛ یعنی متون مورد بررسی در این پژوهش را نام برد.

البته گاهی اوقات یادکرد احوال و اقوال و برخی افعال بزرگان طریقت در ضمن مجموعه‌ای تعلیمی و سلوک آموز می‌آید که غالباً مختصر و حاوی اشارات کلی و مهم است. به عنوان مثال می‌توان به *اللمع فی التصوف ابونصر سراج طوسی* اشاره کرد. این گونه آثار را از طبقه‌بندی انواع مقامات نویسی کنار گذاشتیم چرا که نه کل این آثار و نه حتی بخشی از آن به طور اختصاصی به شرح حال نویسی اختصاص داده نشده است بلکه یادکرد بزرگان تصوف ضمن مطالب اصلی کتاب گنجانده شده است. اما آثاری چون *کشف المحجوب* و *رساله قشیری* را ذیل انواع مقامات نویسی آوردیم چراکه در این آثار حداقل یک بخش مجزا به شرح حال نویسی اختصاص داده شده است.

آن‌گونه که گفته شد مقامات نویسی عرفانی و ثبت و ضبط احوال، افعال و اقوال اولیا و عرفا به خاطر نقش ویژه‌ای که در گذشته فرهنگی و اجتماعی ما داشته، نیز تأثیر عمده‌ای که بر ذهن و زبان بهترین شاعران و نویسندگان فارسی زبان، بعد از قرن پنجم، گذاشته است - یکی از ژانرهای مهم

تاریخ ادبیات عرفانی است که با همه ارزش و اهمیت، هنوز چنان که باید شکافته و شناخته نشده است. بررسی پیشینه این نوع ادبی و طبقه‌بندی و تشریح ویژگی‌های ساختاری و محتوایی و نیز تبیین انگیزه‌ها و اهداف نویسندگان شرح حال‌ها از جمله مواردی است که سعی داریم در این بخش هر چند به اختصار و بسیار گذرا به آن بپردازیم. تدقیق در این بحث زمان و مجال مستوفایی می‌طلبد و خود می‌تواند موضوع یک پایان‌نامه یا پژوهش مستقل باشد اما در این‌جا برای پیشبرد پژوهش ناگزیریم برخی از مطالب مرتبط با این موضوع را بررسی کنیم.

سنت تألیف مجموعه‌هایی حاوی سخنان اولیا ریشه در کار سترگی دارد که از قرن دوم هجری برای گردآوری افعال و اقوال پیامبر (ص) و صحابه آن حضرت آغاز شد (اگل، 158:1379). اهمیت اقوال و افعال پیامبر (ص) به عنوان یکی از مصادر فقه اسلامی و مبنای استنباط احکام شرعی باعث شد که نگارش «سیره» به عنوان گونه‌ای زندگی‌نامه در ادبیات عرب مورد توجه قرار بگیرد و در کنار آن مجموعه‌های حدیثی برای ثبت اقوال پیامبر (ص) به وجود آمد. با تألیف مجموعه‌های حدیثی مسائلی همچون لزوم تعیین میزان اعتبار و صحت حدیث و سلسله اسناد باعث به وجود آمدن علم «رجال» شد. علم رجال علم به احوال اشخاصی است که در سلسله سند حدیث قرار دارند و کتب رجال به شرح احوال راویان و محدثان اطلاق می‌شود. اگرچه نخستین اصل در تعیین صحت حدیث این بود که حدیث از طریق سلسله پیوسته‌ای از محدثان به پیامبر (ص) برسد اما مؤلفان برای فضایل فردی محدثان هم اهمیت قائل می‌شدند و این فضایل را دلیل اصالت رأی و قول می‌شمردند.

مؤلفان به تدریج به این امر توجه یافتند که شرح احوال اصحاب پیامبر (ص) و تابعین را گرد آورند. در نتیجه شاخه بسیار مهمی از تاریخ‌نگاری اسلامی رونق گرفت که نگارش «طبقات» است. در شیوه تاریخ‌نگاری طبقات، افراد متعلق به یک گروه یا دوره یا نسل (اصطلاحاً طبقه)، در یک ردیف جای می‌گیرند و شرح حال آنان به ترتیب زمانی در پی هم می‌آید. نخستین کتاب‌هایی که با عنوان طبقات تألیف شد، مشتمل بود بر سرگذشت صحابه و تابعین و تابعین تابعین و سپس علمای شهرها. از نخستین کتاب‌های تألیف شده و بزرگ‌ترین اثر موجود در این باره، الطبقات الکبری از محمد بن سعد مشهور به کاتب واقدی است که حاوی شرح احوال 4250 مرد و زن از نخستین نسل مسلمانان تا روزگار مؤلف است. در این کتاب تمام شرح حال‌ها بر اساس الگوی یکسانی تألیف و تنظیم شده‌اند. شجره نسب، ازدواج یا ازدواج‌ها، فرزندان، زمان گروش به اسلام، حکایات مربوط به صاحب ترجمه، تاریخ وفات، نام کسی که نماز میت را گزارده است و محل دفن (همان، 160).

در تصوف نیز نخستین آثاری که در زمینه شرح حال نویسی اولیا و مشایخ صوفیه در قلمرو فرهنگی ایران نوشته شد «طبقات» است. بنیادی‌ترین اثر از این ژانر «طبقات الصوفیه» ابو عبدالرحمن

سلمی نیشابوری است که به زبان عربی نگاشته شده است. این کتاب بعد از سال 387 تألیف شده و در آن از احوال و اقوال یکصد و سه تن از عارفان در پنج طبقه سخن رفته است. هر شرح حال مشتمل است بر نام، شهرت، کنیه، قبیله، مسکن، موطن، مقام و احياناً تاریخ تولد و وفات، سفرهای صاحب ترجمه، نام مشایخی که وی از آنان کسب فیض کرده و ذکر برخی اقوال و مآثر آنان با قید سند و چنانچه حدیثی روایت کرده باشند هم مطابق قواعد علم حدیث از آن سخن رفته است (غلامرضایی، 1388:92).

پس از آن «حلیه الاولیا»ی ابو نعیم اصفهانی - شاگرد سلمی - قرار دارد. به نوشته ابونعیم اصفهانی، انگیزه وی تألیف کتابی بوده است که در آن نام جماعتی از صحابه و تابعان و تابعان تابعان و ناسکان و بعضی از روایات و سخنان آنان آمده باشد. وی همه آنان را از اعلام صوفیه و پیشوایان ایشان دانسته است و جماعت مذکور را به پنج طبقه تقسیم، و مقام معنوی و محامد اخلاقی آنان را گزارش کرده است: طبقه نخست، در شرح حال امیر مؤمنان (ع) و سه خلیفه اول؛ طبقه دوم در معرفی سایر صحابه که در رتبه پس از خلفا قرار داشتند؛ طبقه سوم در شرح حال اهل صفة؛ طبقه چهارم درباره زنان ناسکه از صحابه، که با شرح حال حضرت زهرا (س) و همسران پیامبر آغاز شده است و طبقه پنجم درباره تابعان و تابعان تابعان است که بخش اعظم محتوای کتاب را شامل می‌شود و شرح احوال عرفای بزرگی مانند: ابراهیم ادهم، فضیل بن عیاض، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی و غیره در آن آمده است (جواهری، 1390:77).

اما نخستین اثری که از این نوع و به زبان فارسی نوشته شده است «طبقات الصوفیه» خواجه عبدالله انصاری است که وی آن را بر اساس اثر سلمی تدوین کرده است. خواجه عبدالله مطالب طبقات الصوفیه سلمی را با حذف اسنادها با مطالبی که از دیگر منابع می‌گرفته یا خود بدان می‌افزوده در مجالس تدریس و وعظ املا می‌کرده و شاگردان او می‌نوشته‌اند. بنابراین کتاب اثر قلم وی نیست بلکه امالی اوست. شرایط موجود در مجالس خواجه عبدالله تا حدی نظم و ترتیب موجود در کتاب سلمی را بر هم زده است. روحیه خاص عرفانی خواجه، مناجات‌گویی‌های وی، هدف او که بیش از هر چیز تعلیم و ارشاد بوده است و بسیاری عوامل دیگر در بر هم زدن این نظم دخالت داشته‌اند (رحمانی‌فر، 1390:120). کتاب شامل بخش‌های زیر است: الف) مشخصات فردی صاحب ترجمه؛ وی به روش دیگر شرح‌حال‌نویسان صوفی مسلک به زندگی خصوصی صاحبان ترجمه اعتنایی ندارد بلکه بیشتر احوال، مقامات و اقوال ایشان را می‌آورد. از همین روست که بخش مربوط به ویژگی‌های فردی و شناساندن شخص از حیث تاریخ و محل تولد و مطالبی دیگر از این دست در چند سطر بیان می‌شود و تقریباً ترجمه لفظ به لفظ مطالب سلمی است؛ ب) حکایات و روایات در خصوص عارفان؛ ج) نقد و تحلیل حکایت و قضاوت و داوری؛ د) شرح مبانی و اصول تصوف و ذکر اشعار

خود و دیگران در این موارد؛ ه) مناجات.

«کشف المحجوب»، نخستین کتاب راهنمای<sup>1</sup> تصوف و کهن‌ترین تألیف مستقل عرفانی به زبان فارسی، نیز حاوی یک بخش زندگی‌نامه‌ای است. غلامرضایی (1388) کتاب را به چهار بخش تقسیم می‌کند: الف) پس از مقدمه، شش باب درباره پاره‌ای از مسائل کلی تصوف مانند: اثبات علم، فقر، تصوف، لبس مرقعه و ... ؛ ب) مفصل‌ترین بخش کتاب با عنوان «فی ذکر ائمتهم» که با نوعی طبقه‌بندی زمانی درباره احوال بزرگان تصوف بحث می‌کند. هجویری از ابوبکر صدیق آغاز می‌کند و پس از بحث از خلفای راشدین و تنی چند از بزرگان خاندان پیامبر (ص) از بعضی صحابه و تابعین سخن می‌گوید. آنگاه از زاهدان معروف که نامشان در بیشتر کتاب‌های صوفیه در فهرست عارفان قرار دارد و نیز عارفان معروف تا عصر خود بحث می‌کند. در این بخش نیز مطابق سنت صوفیان بیشتر به احوال و اقوال شخصیت‌ها اعتنا شده است؛ ج) درباره طریقت‌های معروف تصوف تا عصر نویسنده مانند: محاسبیه، قساریه، طیفوریه و ... ؛ د) بخشی با عنوان «کشف حجاب ابواب معاملات و حقایق اهل تصوف» که در یازده باب تدوین شده است: معرفت، توحید، ایمان، طهارت و ... .

«رسالة» قشیریه نیز از جهت اشمال بر تنها یک بخش حاوی شرح حال صوفیه به کشف المحجوب شباهت دارد. آنگونه که خود قشیری اشاره کرده آغاز تألیف آن سال 437 و پایان آن 438 بوده است. ترجمه فارسی رساله دو مقدمه دارد و پس از آن مطالب در پنجاه و پنج باب آمده است. باب اول در بیان عقاید عارفان است و اصول طریقت تصوف که مؤلف کوشیده است تا در آن تطابق اعتقادات مشایخ تصوف را با عقاید اشاعره تبیین کند. باب دوم به اختصار هر چه تمام‌تر به بیان احوال و نقل اقوال هشتاد و دو تن از زاهدان و مشایخ متقدم اختصاص دارد. باب سوم شرح پنجاه اصطلاح صوفیانه همچون وقت، مقام، حال، قبض، بسط، هیبت، انس، تواجد، وجد و غیره است. از باب چهارم به بعد توضیح موضوعاتی است چون توبه، مجاهدت، خلوت، تقوی، ورع و غیره و به هر یک از موضوعاتی چون تصوف و ادب و احکام سفر و رؤیا و امثال آن اختصاص یافته است. بدون استثنا هر باب با ذکر یک یا دو آیه قرآن و چند حدیث نبوی آغاز می‌شود و سپس اقوال و حکایات از صحابه و پیروان می‌آید. و گاه نیز اشعار دل‌انگیزی به عنوان شاهد مثال می‌آید (غلامرضایی، 1388: 158).

آخرین اثر فارسی از این نوع ادبی تا قرن ششم - که محدوده زمانی پژوهش حاضر محسوب می‌شود - «تذکره الاولیا»ی عطار است. این اثر از آن جا که از منظر و قلم فرید الدین عطار نیشابوری به عنوان یک شاعر نگاشته شده است از جهت ساختار با آثاری که تا کنون از آن‌ها نام بردیم بسیار

<sup>1</sup>. manual



متفاوت است. تذکره الاولیای چاپی شامل دو بخش است: بخش اول با دیباچه آغاز می‌شود و در ادامه، به شرح حال هفتاد و دو تن از مشایخ صوفیه می‌پردازد. این بخش از امام صادق آغاز و به حسین منصور حلاج ختم می‌شود. بخش دوم که در نسخه‌های پس از قرن نهم وجود دارد شامل بیست و پنج تن از مشایخ می‌شود که از ابراهیم خواص شروع می‌شود و با امام محمدباقر به پایان می‌رسد. عده‌ای بخش دوم را الحاقی و گروهی جزو متن اصلی کتاب می‌دانند. دیباچه کتاب با متنی به زبان عربی آغاز می‌شود که شامل حمد و ستایش خداوند و مدح حضرت محمد (ص) می‌شود. در ادامه، وی سخن مشایخ را بعد از قرآن و اخبار قرار می‌دهد و تا پایان دیباچه به «سبب»های تألیف کتاب اشاره می‌کند. سبب‌هایی همچون رغبت دوستان و تمایل خود نسبت به سخنان مشایخ، قوی شدن همت طالبان و سالکان با شنیدن سخنان ایشان، از بین رفتن غرور طالبان با مشاهده حال بزرگان، نازل شدن رحمت الهی به خاطر سخن گفتن از صالحان و به یادگار گذاشتن اثری که پس از مرگ مؤلف سبب دعای خیر باشد.

از توضیحاتی که درباره اجزای کتاب دادیم، می‌توان دریافت که تذکره الاولیا نیز همچون سایر شرح حال‌های عمومی عرفانی که از آن‌ها نام بردیم، برخاسته از یک سنت و شیوه خاص تألیف است که مختص تمدن اسلامی است و در آن قول یا سخن، ابزار مطلوب و شایسته تعلیم دینی است. در تذکره الاولیا نیز مشخصه‌های مشترک ادبیات اسلامی همچون ستایش خدا، نقل گزیده‌های قرآنی و حدیثی و غیره دیده می‌شود. با این همه، عطار، بیان کاملاً متفاوتی از سنت عربی طبقات‌نگاری در زبان فارسی ارائه می‌دهد (اگل، 189:1379). وی با نادیده گرفتن اسناد و نقل اقوال عربی طولانی، از یک سو، و با اهمیت دادن به حکایت و نقل کرامات، از سوی دیگر، از این سنت دور شده است. بنابراین، اثر عطار را به گونه‌ای متفاوت از طبقات‌نویسان، در خط سنت زندگی‌نامه نویسی قدیمی نخستین قرن‌های اسلامی قرار می‌دهیم.

به هر روی، تمام آثاری را که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم با توجه به برخی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها می‌توان «شرح حال‌های عمومی» اولیا و مشایخ صوفیه بنامیم. همان‌طور که در شرح خصوصیات هر یک از این آثار اشاره کردیم این کتاب‌ها یادکرد احوال، اقوال و افعال تعدادی از متصوفه و بزرگان طریقت است که بیش از هر چیز تحت تأثیر ادبیات کاتبان حدیث فراهم آمده‌اند. اما دسته دوم از این نوع «شرح حال‌های اختصاصی» هستند که به شرح زندگی یکی از بزرگان طریقت با تفصیل و جزئیات بیشتر می‌پردازند. در این پژوهش مراد ما از «مقامات»های مشایخ صوفیه مشخصاً این نوع از شرح حال‌هاست. تعداد این آثار در تاریخ ادبیات عرفانی نسبت به شرح حال‌های عمومی بسیار اندک است. بازورث (1378) معتقد است در میان مسلمانان فرهنگ‌های اعلام (مراد همان نوع طبقات است)، بعضی از آن‌ها در مقیاس عظیم، در شرح احوال متکلمان، عارفان، محدثان،

شاعران و پزشکان فراوان است ولی به تراجم احوال فردی کمتر پرداخته شده است. نویسندگان مسلمان اغلب بر این نکته تأکید دارند که شخصیت و فطرت آدمی از جانب پروردگار مقدر شده و سرنوشت او از رحم مادر مشخص و معین است. بدین ترتیب جایی برای تکامل رفتار و منش انسانی باقی نمی‌ماند و محلی برای تأثیر رویدادهای خارجی که تحولی در آدمی ایجاد کند، آن‌گونه که ما در غرب می‌شناسیم، وجود ندارد.

به نظر می‌رسد تألیف آثاری که به شرح احوال یک شیخ صوفی اختصاص داده شده است با تحولات آشکاری که در اعمال صوفیانه و ساختار تشکیلاتی تصوف در قرن ششم رخ داد همسو بوده است. نویسندگان این آثار غالباً یا خود از نسل آن مشایخ یا یکی از مریدان نزدیک ایشان بودند. جورج مورینسن (1372) معتقد است پیدایش شرح حال‌های اختصاصی «متضمن انتقال از یک نوع عرفان کهن‌تر و رسمی‌تر - که متکی بر توبه و عشق خدایی است که وحدانیت او اساس و هدف عقیده و عمل به شمار می‌رود - به یک نوع عرفانی است که بر اهمیت خود عارف تکیه دارد» (مورینسن، 1372:220). این تحول با گرایش روز افزون به مشایخ بزرگ صوفیه توأم بوده است.

آنچه را امروزه از مقامات‌های نخستین عارفان و زاهدان، تا قرن ششم باقی مانده می‌توان به شرح زیر برمی‌شمرد:

1. *النور فی کلمات ابی طیفور* که کهن‌ترین مقامات موجود بایزید است. مؤلف کتاب ابوالفضل محمد بن علی سهلگی بسطامی (379-477) از مشایخ بزرگ تصوف در نیمه دوم قرن پنجم است که زندگی نامه نویسان او همه به مقام او در علم و تصوف تصریح کرده و از تألیفاتی که وی در زمینه معارف صوفیه داشته است یاد کرده اند. سهلگی زنجیره گسترده‌ای از مشایخ را در کتاب *النور* نام می‌برد که از ایشان روایات مربوط به بایزید را شنیده است. به جز کتاب *النور* تنها کتابی که از آثار سهلگی نام و نشانی از آن داریم کتاب فضایل اشعری است. بخش احوال و اقوال بایزید در تذکره الاولیای عطار که یکی از شیواترین بخش‌های آن کتاب است احتمالاً از روی همین کتاب *النور* تدوین شده است. کتاب باید در حدود سال‌های 430-450 یعنی در نیمه اول قرن پنجم تألیف شده باشد. در مور ساختار کتاب *النور* می‌توان گفت که سنت مؤلفان تصوف تا حدود قرن پنجم همواره بر این بوده است که در نقل وقایع و نیز روایت اقوال مشایخ همان اسلوبی را رعایت کنند که علمای حدیث در نقل فرمایشات رسول (ص). بنابراین در نقل هر حکایت یا عبارت، زنجیره کسانی که آن عبارت را تا عصر مؤلف رسانیده اند محفوظ است. به همین دلیل خواننده گاه مجبور است دو یا سه سطر عباراتی را از این دست - که «فلان گفت از فلان شنیدم که فلان می‌گفت در فلان شهر از فلان کس شنیدم که...» - بخواند تا به اصل حکایت یا اصل سخن بایزید برسد. دکتر شفیع کدکنی کتاب

النور را از روی نسخه کتابخانه ظاهریه تصحیح و ترجمه کرده و با اضافاتی آن را با نام «دفتر روشنایی» به چاپ رسانده است. متن کتاب النور را استاد عبد الرحمن بدوی (1917-2004) دانشمند ممتاز جهان عرب و یکی از برجسته ترین کوشندگان فرهنگ اسلام و ایران در نیمه دوم قرن بیستم، یک بار در 1949 به پیشنهاد استاد لویی ماسینیون چاپ کرده و نام آن را شطحات الصوفیه نهاده است. منابع اطلاعات ما در باب زندگی نامه بایزید در دایره روایات همین کتاب محدود است. بیرون از کتاب النور سخنانی از بایزید می توان یافت اما اگر اطلاعاتی از سوانح زندگی او به دست آید بسیار اندک و احتمالاً مشکوک و متأخر است (شفیعی کدکنی، 72:1384).

2. مناقب المعروف الکرخی (متوفی 200 یا 201) که بر دست ابن جوزی یعنی عبدالرحمن بن علی (متوفی 597) گردآوری شده است. محمود الجمیلی متن کتاب را که به گفته خود وی آن را از روی نسخه منحصر به فرد کتابخانه الاوقاف بغداد (به شماره 4874) تصحیح کرده در مجله المورد به چاپ رسانده است. این کتاب در بیست و هفت باب و به زبان عربی نگاشته شده است که قسمت‌هایی از نسخه نیز افتادگی دارد. ابواب کتاب به ترتیب عبارتند از فی ذکر اسم و نسه، اسلامه و منشأه، اعتقاده، مسانیده، احادیث بلغته من الاسرائیلیات، ثناء العلماء علیه، تبرک العلماء و الصالحین بزیارته، زهد، کرمه و ایثاره، قصر أمله، تفکره، شده خوفه، بکائه، تعبده و أجهاده، مواظبه فی الزهد و الرقائق، ما تمثل به من الشعر، کلامه فی فنون، مناجته و دعائه، کراماته، حرصه علی اخفاء عباداته و کراماته، فنون أخباره، من لقی فی أسفاره من العباد و الصالحین، مرضه و وفاته، المنامات التي رأها، المنامات التي رؤی فیها، المنامات التي رؤیت له، و باب آخر فی ذکر زیاره قبره. از مشخصات بارز کتاب می توان به اتخاذ رویه علمای حدیث در ذکر وقایع و اقوال اشاره کرد که پیش از این توضیح داده شد. دیگر آنکه نویسنده بیشتر بر ذکر اقوال و سخنان کرخی تکیه دارد تا نقل وقایع زندگی او.

3. اخبار الحلاج که به استناد ابن حجر در لسان المیزان تألیف علی بن احمد بن علی الواعظ القصاص الشروانی است. 80 بند اخبار حلاج که در چاپ اول به سال 1936م منتشر شده به این قرار است: الف) 58 بند از مناجیات ذکر شده درباره موضوعاتی چون آرزومندی حلاج جهت شهادت، پیشگویی درباره بر دار شدن و از این جمله است؛ ب) 22 بند دیگر اثر فوق اطلاعاتی راجع به زندگی حلاج در اختیار خوانندگان قرار می دهد. مطالبی همچون زندگی حلاج پیش از دادگاه و محاکمه وی، اعتقادات وی و شکنجه و شهادت وی در این بندها مطرح می شود.

4. بدو شان یا بدء الشان در سیرت محمد بن علی حکیم ترمذی. این اثر نخستین زندگی نامه خودنوشت اسلامی مفصلی است که به دست ما رسیده است. کتاب از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول اطلاعات مختصر و کلی از کودکی، تحصیلات، سفرها و سیر و سلوک او وجود دارد.

بخش دوم زندگی نامه تماماً شامل گزارش رؤیاهایی است که مهم‌تر از همه آن‌ها رؤیاهای همسر اوست. این رؤیاهای، با محتوایی نمادین و تخیلی، ما را در توصیف تحول و پیشرفت عرفانی ترمذی یاری می‌کند (راتکه و اوکین، 20:1379).

5. نسخه‌ای از *احوال و کلمات السهل التستری* موجود است که مؤلف آن در مقدمه خود را معرفی نمی‌کند ولی از آن جا که منابع خود را نام می‌برد می‌توان حدس زد که روزگار تألیف این کتاب نباید زودتر از قرن هفتم باشد زیرا در شمار منابع مؤلف، ما کتاب *عوارف المعارف* سهروردی (539-632) را می‌بینیم که باید در حدود اواخر قرن ششم تألیف شده باشد. تنها نسخه‌ای که از این کتاب وجود دارد نسخه‌ای متعلق به کتابخانه آیه الله مرعشی است (شماره 9307) که بر دست محمد امین بن محمد در اواخر شعبان سال 1130 کتابت شده است. کتاب مشتمل است بر زندگی‌نامه سهل از کودکی و جوانی و دیدارش با زاهدان عصر و پس از آن بخش عظیمی از حجم کتاب را احوال سهل تشکیل می‌دهد. در اواخر کتاب حدود هفده کرامت از او نقل کرده است.

6. *مقامات نقری* که به گزارش ذهبی در *تاریخ الاسلام* عقیف تلمسانی (سلیمان بن علی بن عبدالله بن علی بن یاسین 616-690) بر آن شرحی نوشته است. نقری، محمد بن عبدالجبار بن حسن، ملقب به مصری و اسکندری، کنیه‌اش ابوعبدالله، از عارفان طراز اول قرن چهارم است. در دایره المعارف بزرگ اسلامی ذیل نام او آمده است: «وی در شهر نقر (نیپور سابق)، بین کوفه و بصره، به دنیا آمد. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست و در نخستین تذکرها ذکر وی به میان نیامده است. علت این امر را پیروی نکردن وی از طریقتی خاص یا شیخی مشهور یا تعمد در ناشناس ماندن و ابراز نکردن صریح آرای خویش، به سبب هراس از فضای حاکم بر جامعه پس از ماجرای حلاج، دانسته‌اند. تاریخ وفات نقری را، به اختلاف 344 354 و 366 ذکر کرده‌اند.»

نقری آثاری به نظم و نثر از خود بر جای گذاشته، که مهم‌ترین آنها مجموعه *المواقف و المخاطبات* است که نسخه‌ای از آن با شرح و ترجمه آربری، در 1313 ش/1934 در قاهره به چاپ رسیده است. پل نوین تعدادی از رسالات و اشعار وی را در اثری با عنوان *نصوص صوفیه غیر منشوره لشقیق بلخی*، ابن عطاء الآدمی و النقری، در 1351 ش/1973 در بیروت منتشر کرده است. جمال مرزوقی و سعید غانمی نیز مجموعه‌ای از آثار وی را، به ترتیب، با عناوین *النصوص الکامله للنقری و الاعمال الصوفیه در مصر و عراق* چاپ کرده‌اند.

7. *سیرت ابن خفیف* (متوفی 371) که بر دست ابوالحسن دیلمی (نیمه دوم قرن چهارم) تألیف شده است. در *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ذیل نام وی آمده است: ابوعبدالله محمد بن حفیف بن أسفکشاذا (یا اسفکشار) ضبّی، معروف به شیخ کبیر، از مشایخ بزرگ صوفیه فارس بود و براساس

اعتبار و مقامش، پیروانی یافت که خود را پیرو «سلسلهٔ خفیفیه» خواندند. عمده‌ترین منبع شناخت ما از این پیر بزرگ صوفیه، کتابی است که شاگرد او ابوالحسن دیلمی در سیرت استاد خود نوشته و علاوه بر اقوال و احوالی که خود ناقل و شاهد آن بوده، روایات و حکایات فراوانی را دربارهٔ ابن خفیف گرد آورده و در کتاب خود ثبت کرده است. اما کتاب دیلمی نیز در گذر زمان نابود شده و از بین رفته، ولی ترجمهٔ فارسی آن به قلم رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی، از عالمان سدهٔ هشت و نه هجری برجای مانده و به دست ما رسیده است. این اثر با تصحیح و مقدمه و توضیحات آنه ماری شیمل، تصوف‌پژوه دانشمند آلمانی در سال 1955م در آنکارا به چاپ رسید. این تصحیح البته مشکلات زیادی دارد که به گوشه ای از مشکلات آن اشاره خواهد شد. اما امیدواریم دانشوران آشنا با قواعد نثر و نظم و زبان کهن پارسی که در باب تصوف پژوهیده اند غفلت نکنند و این اثر مهم را مجدداً به صورت انتقادی و علمی تصحیح و منتشر سازند.

دیلمی اطلاعات مفیدی دربارهٔ پدر و خاندان و اوضاع و احوال روزگار شیخ به دست داده است، اما دانش ما دربارهٔ وی، تنها منحصر به نوشته‌های دیلمی نیست. اغلب منابع اواخر قرن چهارم به بعد، ذکری از او داشته و برخی اقوال و احوال و کراماتش را ثبت کرده‌اند. بنا به نوشته دیلمی، پدر شیخ ابوعبدالله محمد، یعنی «خفیف»، از شهر کلاشم دیلمان بوده و در سپاه عمرو لیث صفاری خدمت می‌کرده است و هنگامی که عمرو لیث از خراسان بیرون آمد، خفیف در نیشابور از سپاهی‌گری توبه کرد و در همان‌جا دختر یکی از بزرگان کرامیه را به همسری گرفت؛ اما دیری نگذشت که باز به سپاه عمرو بن لیث پیوست و به شیراز رفت. ابن خفیف در همین زمان در شیراز به دنیا آمد و هنگامی که عمرو لیث بار دوم از فارس به خراسان می‌رفت، وی هشت ماهه بوده است. این وقایع بایست در فاصلهٔ میان سال 266ق/880م که عمرو لیث به حکومت رسید روی داده باشد. بنابراین می‌توان ولادت او را در حدود 269ق دانست و این تاریخ با آنچه او دربارهٔ طول عمر خود بیان کرده و دیگران دربارهٔ آن نوشته‌اند و مدت عمر او را 104 سال گفته‌اند، بسیار نزدیک است. با توجه به لقب جدش «اسکفشاد» یا «اسکفشار» می‌توان احتمال داد که از تبار بزرگان بوده، زیرا صفت‌ها و القاب مرتبط با اسب، در میان بزرگان و شاهزادگان رواج داشته است.

به هر حال می‌دانیم که شیخ در عهد طفولیت، همراه مادرش امّ محمد از راه دریا به سفر حجاز رفت. نام مادر ابن خفیف در سیره‌ها، به عنوان بانویی عارفه و پرهیزکار آمده است. این زن از مردم نیشابور بود و «زنی پرهیزکار و عبادت‌پیشه... و در میان اهل عرفان بسیار محترم بود و به مناسبت پسرش که محمد نام داشت، امّ محمد خوانده می‌شد و کراماتی به وی نسبت داده شده است. ابن خفیف در آغاز جوانی به کارهای مختلف پرداخت، اما گویا در اثر تربیت ابوالعباس احمد بن یحیی، و مؤمل جصاص و جعفر حذاء، به تصوف میل کرد. سپس نزد مشایخ دیگری در فارس، همچون

ابوبکر محمد عقایدی، ابوبکر شعرانی و دیگران به تعلیم و تحصیل پرداخت. طبعاً ابن خفیف به استماع حدیث نیز می‌پرداخت. از جمله نزد مؤلفان نامدار شیراز، عبدالله بن احمد شاردانی، عبدالله بن جعفر ارزکانی و ابراهیم بن روزبه، علم حدیث آموخت. فقه را نیز نزد ابوالعباس بن سربج تحصیل کرد و سپس به بصره رفت تا در مجلس درس ابوالحسن اشعری شرکت نماید. ازین پس، شروع به سفرهای علمی کرد و مانند اغلب محدثان و عالمان و صوفیان، به حضور مشایخ بزرگ در اقصا نقاط جهان اسلام می‌رسید. وی در سفر به حجاز و عراق و شام، ابوالحسن مزین، ابوعلی رودباری، ابوبکر کتانی، ابوالحسن درّاج، ابویعقوب نهرجوری، ابوعمرو زجاجی، رویم، ابن عطاء جریری، شبلی و عمر بن شلوّیه را دیدار کرد و از صحبت آنان بهره گرفت.

سیرت ابن خفیف مهم‌ترین منبع درباره زندگی ابن خفیف به شمار می‌رود. این کتاب از لحاظ ادبی و عرفانی و اشاراتی که به احوال و سخنان تعدادی از صوفیه قرن چهارم دارد و نیز بیان پاره‌ای از ویژگی‌های محیط متدین آن روزگار که تحت تأثیر زهد شدید حاکم بر آن و رعایت محتاطانه شریعت بود، دارای اهمیت است. سیرت ابن خفیف از سیزده باب تشکیل شده است که هر یک شامل چندین فصل می‌شود. در ذکر مولد و منشأ شیخ، در ابتداء احوال و ارادت و اجتهاد وی در عبادت، سفرهای شیخ، در شرح احوال مشایخی که شیخ ایشان را در شهرهای گوناگون ملاقات کرده بود، خواب‌هایی که شیخ دیده بود، کرامات شیخ، مصنفات شیخ و وفات شیخ.

8. *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه* در مقامات شیخ ابو اسحاق کازرونی (متوفی 426). خطیب امام ابوبکر محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد (متوفی 502) خلیفه سوم ابو اسحاق کازرونی کتابی به زبان عربی در احوال و مقامات شیخ ابو اسحاق تألیف کرده بوده است که اصل آن تا قرن ششم در دسترس و یکی از منابع عطار در تألیف تذکره الاولیا بوده است. محمود بن عثمان *فردوس المرشدیه* را به سال 728 بر اساس این کتاب پرداخته است. وی پایبند متن اصلی بوده و هر جا که مطلبی را به متن افزوده یا از آن کاسته بدان اشاره کرده است (غلامرضایی، 1388: 217). کتاب در یک خطبه و چهل باب تدوین شده است.

9. *مقامات ابوعلی قومسانی* (متوفی 378) که به دست یکی از فرزندزادگانش به نام ابوالفضل محمد بن عثمان قومسانی (399-471) معروف به ابن زیرک تألیف شده است. وی نوه پسری شیخ و خود یکی از علمای بزرگ عصر بوده است و با توجه به زمان تولد و وفات وی می‌توان حدس زد که زمان تألیف کتاب احتمالاً حدود 450 هجری و اواسط قرن پنجم باشد (شفیعی کدکنی، 1392: 662). آنچه در مقامات او ثبت شده و یا در بعضی منابع کهن زندگی‌نامه او دیگران نقل کرده‌اند فقط و فقط مقداری کرامت است و این کرامت‌ها نیز بر محور نوعی رؤیا و منامات شکل گرفته است. دکتر